

شرکت‌ها و نظام بانکی کشور و چالش حاکمیت شرکتی: مقایسه تطبیقی مدل‌های موجود و بررسی چالش‌ها و انتظارات

پدرام پاک روان شمس آباد

چکیده

حاکمیت شرکتی از مباحث نسبتاً جدیدالطرح در شرکت‌ها و سازمان‌ها است و در نظام بانکداری به‌طور خاص مورد توجه قرار گرفته است. حاکمیت شرکتی در نظام بانکی کشور به عنوان مجموعه‌ای از سیاست‌ها، فرآیندها و قوانین، به نحوه کنترل و هدایت بانک‌ها و نیز تعامل ذینفعان مختلف در راستای اهداف بانکی می‌پردازد. غفلت از حاکمیت شرکتی، ارمغانی جز افزایش ریسک‌پذیری و تشدید یا تولید بحران‌های مالی را در پی ندارد. به طوری که بسیاری، عدم توجه کافی به این مقوله را از عوامل اصلی بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ میلادی می‌دانند. اگر چه اکثر پژوهش‌ها در این حوزه، ناظر بر اعضای هیأت مدیره و مدیران ارشد بانک‌ها جهت مدیریت ریسک و نظارت بر عملیات می‌باشد، اما دامنه آن تمامی کارکنان را در بر می‌گیرد. این مقاله ضمن ارائه تعاریف، به مرور مطالعات تجربی پیرامون مقوله حاکمیت شرکتی در نظام بانکی پرداخته و سعی دارد با شناخت ابعاد مختلف حاکمیت شرکتی، استانداردها و تجارب بین‌المللی، اقدامات اصلاحی برای نظام بانکی ایران ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، نظام بانکی، هیأت مدیره، ذینفعان

اگر چه پیرامون مفهوم حاکمیت شرکتی، تعاریف گوناگونی با دید جزء نگر و کل نگر ارائه شده است، اما اکثراً پیرامون این موضوع که حاکمیت شرکتی دربرگیرنده اشکال متنوعی از توافق‌ها، ساز و کارهای سازمانی و روش‌های برقراری تعادل در قدرت و مسئولیت سهامداران شرکت، مدیران و کارکنان در راستای افزایش ضریب اطمینان فعالیت‌های عملیاتی و حفظ منافع سهامداران و سایر ذینفعان می‌باشد، اتفاق نظر دارند.^[۱] بررسی تعاریف گوناگون ارائه شده توسط صاحب‌نظران و محققین، حاکی از آن است که هدف غایی از پیاده سازی حاکمیت شرکتی، افزایش عدالت، پاسخگویی شفاف و رعایت حقوق حقه تمامی ذینفعان در یک شرکت یا سازمان است.^[۲] این در حالی است که حفظ منافع ذینفعان تا قبل از دهه ۱۹۷۰ میلادی، موجبات تمسخر صاحبان سرمایه را فراهم می‌آورد؛ اما اکنون از یک مفهوم اخلاقی-انسانی به یک ضرورت کسب و کار بدل گشته است.^[۳] توسعه حاکمیت شرکتی، منجر به توسعه پایدار می‌شود. به عبارت ساده‌تر، کشورهایی که ساز و کار حاکمیت شرکتی را به درستی در شرکت‌های خود به کار بسته‌اند، از رشد اقتصادی مناسب و توانایی بیشتری در جذب سرمایه و کاهش هزینه‌های تأمین مالی برخوردار بوده‌اند.^[۴] ساختار حاکمیت شرکتی مناسب، مدیران شرکت را جهت طراحی، پیاده‌سازی، توسعه و بهره برداری از سیستم‌های کنترل داخلی، خلق ارزش از طریق نوآوری و پاسخگویی به تناسب ریسک‌های سازمانی تشویق می‌کند.^[۵] بنابراین می‌توان حاکمیت شرکتی را یکی از مهمترین مباحث کسب و کار دانست.^[۶] در سال‌های اخیر، سازمان‌ها و تشکلهای گوناگونی اقدام به وضع قوانین و استانداردهایی در حوزه حاکمیت شرکتی کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به شبکه جهانی حاکمیت شرکتی^۱، فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۲، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳، بانک جهانی^۴، اتاق بازرگانی بین‌الملل^۵ و موسسه رتبه بندی استاندارد و پورز^۶ اشاره کرد.

پس از وقوع بحران‌های مالی سال ۱۹۹۷ میلادی در آسیا، بحث حاکمیت شرکتی در نظام بانکی مطرح شد. در همین رابطه، کمیته نظارتی بانکی بال، اولین دستورالعمل ارتقای حاکمیت شرکتی در واحدهای بانکی را در سال ۱۹۹۹ میلادی و نسخه اصلاحی آن را در سال ۲۰۰۶ میلادی منتشر کرد. دستورالعملی که پایه گذار تدوین اصول حاکمیت شرکتی مخصوص موسسات مالی اسلامی توسط هیأت خدمات مالی اسلامی شد.

موضوعی که در خصوص حاکمیت شرکتی در بانک‌ها نسبت به سایر شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، حائز اهمیت است و استقرار حاکمیت شرکتی را در نظام بانکی بسیار پیچیده‌تر و مهمتر می‌نماید، توجه به این نکته است که در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، بانک‌ها و موسسات اعتباری، نقش اصلی در تأمین منابع مالی داشته و شاهرگ اصلی حیات اقتصادی هستند؛ این در حالی است که بخش عمده دارایی‌های بانکی، تسهیلات اعطایی و بخش عمده ساختار سرمایه بانکی، سپرده‌های دریافتی از مشتریان است. به همین دلیل، بانک‌ها عموماً نسبت بالای بدهی به حقوق صاحبان سهام دارند و همین موضوع فعالیت بانکداری را به شدت پرخطر نموده است. از سویی دیگر، تعدد حضور رقبا در عرصه بانکداری، چاره‌ای برای بانک‌ها و موسسات اعتباری باقی نمی‌گذارد که برای کسب سود به استقبال خطر بروند. استقرار اصول حاکمیت شرکتی

¹ - International Corporate Governance Network (ICGN)

² - International Federation of Accounters (IFAC)

³ - Organization of Economic Corporations and Development (OECD)

⁴ - World Bank

⁵ - International Chamber of Commerce (ICC)

⁶ - Standard and Poor's

می‌تواند بسیاری از شاخص‌های اقتصادی و مالی از جمله تسهیلات اعطایی غیر تجاری^۷، فساد مالی^۸، میزان تضییع حقوق سهامداران بالاخص سهامداران خرد، درجه شفافیت^۹ سیستم بانکی، نسبت کفایت سرمایه^{۱۰} واسطه‌های مالی بازار پول، سهم دارایی‌های سمی^{۱۱} در ارقام ترازنامه بانک‌ها و درصد بنگاهداری بانک‌ها را بهبود دهد.

۲- مرور ادبیات و مطالعات تجربی

قبل از آنکه به تعریف حاکمیت شرکتی بپردازیم، لازم است مهم‌ترین تعاریف منتسب به حاکمیت شرکتی را مورد تدقیق قرار دهیم. جدول شماره ۱، به مرور اهم تعاریف رایج حاکمیت شرکتی می‌پردازد. همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، تعاریف حاکمیت شرکتی متنوع بوده و تعریف واحدی برای آن وجود ندارد. علت را می‌توان در گستره حاکمیت شرکتی دانست. به عبارت بهتر، تعاریف در طیف نگرش محدود (رابطه مدیران با سهامداران) و نگرش وسیع (رابطه شرکت با تمام ذینفعان) قرار می‌گیرند.

جدول ۱: مروری بر تعاریف رایج حاکمیت شرکتی

ارائه دهنده تعریف	متن تعریف
بانک جهانی	حاکمیت شرکتی به حفظ تعادل میان اهداف اجتماعی و اقتصادی و اهداف فردی و جمعی مربوط می‌شود. [۷]
صندوق بین‌المللی پول ^{۱۲} و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	مجموعه‌ای از روابط بین مدیریت، هیأت مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان شرکت. حاکمیت شرکتی ساختاری را فراهم می‌آورد که از طریق آن، اهداف شرکت تدوین و نحوه نظارت بر عملکرد مدیران مشخص می‌گردد. [۸]
لاپورتا	سیستمی که شرکت‌ها به وسیله آن رهبری و کنترل می‌شوند. [۹]
مشایخ و اسماعیلی	مجموعه‌ای از مکانیزم‌های کنترلی درون شرکتی و برون شرکتی است که تعدل مناسب میان حقوق صاحبان سهام از یک سو و نیازها و اختیارات هیأت مدیره را از سوی دیگر برقرار می‌نماید. [۱۰]
استفان و بک هاوس	اطمینان حاصل کردن از اینکه شرکت‌ها در جهت منافع مالکان خود و نه در جهت مدیران خود عمل می‌کنند. [۱۱]
فاما و جنسن	دامنه نظام کنترلی به منظور حفظ و افزایش منافع سهامداران واحدهای تجاری [۱۲]
یگانه و پوریانسن	حاکمیت شرکتی عبارت است از ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی که سمت و سوی حرکت و عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کند. [۱۳]
شیفلر و ویشنی	استقرار چارچوبی مدون و مکانیزم‌های مناسب برای برقراری رابطه‌ای متعادل میان منافع سهامداران جزء از یک سو و سهامداران کنترلی یا اکثریت از سوی دیگر [۱۴]
کیسی و همکاران	عبارت است از کاهش ریسک بنگاه اقتصادی از طریق بهبود و ارتقای شفافیت و پاسخگویی و نیز بهبود کارایی درازمدت سازمان از طریق جلوگیری از خودکامگی و عدم مسئولیت پذیری مدیریت اجرایی [۱۵]

⁷ - Non Performing Loan (NPL)

⁸ - Financial Corruption

⁹ - Transparency

¹⁰ - Capital Adequacy

¹¹ - Toxic Assets

¹² - International Monetary Fund (IMF)

دربرگیرنده اشکال متنوعی از توافق‌ها، ساز و کارهای سازمانی و روش‌های برقراری تعادل در قدرت و مسئولیت سهامداران شرکت، مدیران و کارکنان [۱۶]	لین و لیو
چارچوب نهادی است که در آن معاملات منسجم و بی نقصی صورت می‌گیرد. [۱۷]	ماری اسیلوین
فرآیند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیر شرکت منطبق با منافع سهامداران	پارکینسون
فرآیند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیر شرکت منطبق با منافع سهامداران [۱۸]	شان و مک‌لور
حاکمیت شرکتی درصدد ارتقای انصاف، شفافیت و پاسخگویی در شرکت است [۱۹]	سارکار و سارکار
نقش حاکمیتی، منحصر به عملیات تجاری شرکت نیست. بلکه با هدایت کل واحد تجاری، نظارت و کنترل اقدامات اجرایی مدیران و پاسخگویی آن‌ها به تمام ذینفعان سروکار دارد [۲۰]	پارک و شین
ساختارها، فرهنگ‌ها، فرآیندها و سیستم‌هایی که موجب توفیق عملیات شرکت می‌شوند. [۲۱]	کیزی و رایت
رابطه بین سهامداران و شرکتشان و روشی که سهامداران به کمک آن، مدیران را به بهترین عملکرد تشویق می‌کنند.	کتابچه حاکمیت شرکتی بریتانیا ^{۱۳}
مجموعه فعالیت‌هایی که موجب می‌شود مقررات داخلی واحد تجاری با تعهدات شرکت از جمله امانتداری و مدیریت بهینه دارایی‌ها منطبق باشد [۲۲]	فانگ و همکاران
فرآیند استفاده از قدرت شرکت و چگونگی کنترل آن در برخورد با مسائل شرکتی و فرا شرکتی [۲۳]	درویتز و همکاران
سیستمی که هم سیستم‌های داخلی و هم شرکت‌های خارجی را کنترل و هماهنگ می‌نماید تا از ایفای مسئولیت شرکت‌ها در قبال سهامداران خود و همچنین مسئولیت‌های اجتماعی خود اطمینان حاصل کنند. [۲۴]	داهیا و همکاران
تعدادی مسئولیت‌ها و شیوه‌های به کار برده شده توسط هیأت مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی که متضمن دستیابی به اهداف، کنترل ریسک‌ها و مصرف مسئولانه منابع است.	فدراسیون بین‌المللی حسابداران

نکته حائز اهمیت در خصوص هر یک از تعاریف ارائه شده، سطح اجماع جهانی نسبت به آن تعریف است. به عنوان مثال سطح اجماع نسبت به تعریف پارکینسون در سطح کاملاً موافق، نسبت به تعریف تری کر در سطح خیلی موافق، نسبت به تعریف کانون در سطح موافق، نسبت به تعریف کتابچه حاکمیت شرکتی بریتانیا و نیز کیزی و رایت در سطح تا حدودی موافق است. [۲۴]

اگر بخواهیم تعریفی جامع و مانع از حاکمیت شرکتی در شبکه بانکی کشور ارائه دهیم، بی شک، می‌توان به تعریف کمیته بال^{۱۴} اشاره نمود: حاکمیت شرکتی نتیجه می‌شود از رابطه قوی هر دو نهاد درونی (شخصی) بانک و نهاد مالی بین‌المللی به عنوان کل که هدفگذاری شایسته ای را در قالب اسناد راهنما ارائه می‌نماید.

در خصوص حاکمیت شرکتی، تاثیرگذاری آن به عنوان متغیر مستقل برخی پژوهش‌ها، تاثیرپذیری آن به عنوان متغیر وابسته برخی پژوهش‌ها و یا هر دو مورد یاد شده، تحقیقات داخلی و خارجی نسبتاً مناسبی صورت گرفته است که به برخی از مهمترین آن‌ها که مطالعه موردی خود را صنعت بانکداری قرار داده‌اند، در جدول شماره ۲ اشاره شده است.

¹³ - The Corporate Governance Handbook

¹⁴ - The Basel Committee of Banking Supervision

جدول شماره ۲: مروری بر مطالعات تجربی در خصوص حاکمیت شرکتی

نام محققان	عنوان تحقیق	مطالعه موردی	نتایج تحقیق
براتون و مگگری	اثر حاکمیت شرکتی بر عملکرد	بانک‌های کشور انگلستان	اندازه هیأت مدیره (یکی از شاخص‌های حاکمیت شرکتی تحقیق) رابطه منفی با عملکرد دارد. جدایی مالکیت و مدیریت (یکی از شاخص‌های حاکمیت شرکتی تحقیق) رابطه منفی با عملکرد دارد. [۲۵]
دیگنام و کاکز	اثر حاکمیت شرکتی بر اعطای اعتبارات به بخش رهن و میزان مطالبات مشکوک الوصول در دوره بحران مالی	نظام بانکی	حاکمیت شرکتی قویتر منجر به شاخص‌های سودآوری بالاتر می‌شود. همچنین میزان مطالبات مشکوک الوصول را نیز کاهش می‌دهد. بانک‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف‌تر، پس از رسیدن به بحران، وام‌های رهنی در معرض خطر خود را کاهش می‌دهند. [۲۶]
تای	اثر حاکمیت شرکتی بر سودآوری	بانک‌های مالزی	استقلال هیأت رئیسه و نوع مالکیت بانک (شاخص‌های حاکمیت شرکتی این تحقیق) رابطه منفی با بازدهی سهام (شاخص سودآوری این تحقیق) دارند. [۲۷]
جینگچن	اثر حاکمیت شرکتی بر ثبات	سیستم بانکی کشورهای عضو اتحادیه اروپا	فقدان مقررات مناسب حاکمیت شرکتی که از بازار مالی کشور میزبان حمایت نماید، موجب بی ثباتی سیستم بانکی کشور میزبان می‌گردد. [۲۸]
لاپورتا و لویز دیسیلانس	بررسی رابطه بین عملکرد و حاکمیت شرکتی	بانک‌های اروپا، آمریکا، استرالیا و ژاپن	رابطه مثبت بین سهامداران داخلی (شاخص حاکمیت شرکتی این تحقیق) و عملکرد بهتر سیستم بانکی وجود دارد. [۲۹]
لو و میشل	بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد	بانک‌های چین	تمرکز مالکیت (شاخص حاکمیت شرکتی در این تحقیق) رابطه خطی و معناداری با سودآوری (شاخص عملکرد در این تحقیق) ندارد. [۳۰]
اندرز و التریو	بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد	بانک‌های با مالکیت دولتی، خصوصی و خارجی	قبل از بحران مالی: بانک‌های با مالکیت خارجی بهترین عملکرد را در استفاده از حاکمیت شرکتی داشته‌اند. بعد از بحران مالی: بانک‌های با مالکیت خصوصی بهترین عملکرد را در استفاده از حاکمیت شرکتی داشته‌اند. [۳۱]
هو و ایزومیدا	بررسی عملکرد سیستم بانکی، قبل و بعد از برقراری حاکمیت شرکتی	سیستم بانکی	بعد از برقراری حاکمیت شرکتی، عملکرد بهبود می‌یابد. [۳۲]
داهیا و همکاران	بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد	سیستم بانکی	هر چه استلال هیأت رئیسه بیشتر باشد (شاخص حاکمیت شرکتی در این تحقیق) سودآوری (شاخص عملکرد در این تحقیق) بیشتر است. همچنین رابطه یو شکل ^{۱۵} بین عملکرد و قدرت هیأت رئیسه وجود دارد. [۲۴]

مالکیت دولتی (یکی از شاخص‌های حاکمیت شرکتی در این تحقیق) رابطه مثبت و معناداری با بهبود عملکرد سیستم بانکی دارد. مالکیت خصوصی (یکی از شاخص‌های حاکمیت شرکتی در این تحقیق) رابطه مثبت و معناداری با بهبود عملکرد سیستم بانکی ندارد. مالکیت خارجی (یکی از شاخص‌های حاکمیت شرکتی در این تحقیق) رابطه مثبت و معناداری با بهبود عملکرد سیستم بانکی ندارد. [۳۳]	بانک‌های آرژانتین	تاثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد	برگر و همکاران
رابطه مثبت و معناداری بین حاکمیت شرکتی و ثبات مالی وجود دارد. [۳۴]	بانک‌های ۱۷ کشور در حال توسعه	بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر ثبات مالی	لی و همکاران
مکانیسم کنترل داخلی باعث بهبود عملکرد بانک‌های تجاری شده است، اما در بانک‌های سپرده پذیر مکانیسم ضعیف کنترل داخلی اثر چندانی بر بهبود عملکرد این نوع از بانک‌ها ندارد. اما رابطه معناداری بین مداخله حاکمیت شرکتی و عملکرد بانک‌های سپرده پذیر دارد. [۳۵]	بانک‌های کشور اسپانیا	تاثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد	کراسپی و همکاران

ذیلًا منافع مورد اجماع حاکمیت شرکتی در حوزه مالی و بانکداری ارائه می‌شود:

- ۱- مدیریت موثر ریسک‌های بانکی، با عنایت به ارتباط آن با ساختار شرکت
- ۲- نیل به حداکثر سودآوری و ارزش افزوده اقتصادی بانک‌ها
- ۳- افزایش کارایی بانک‌ها در نظام پاسخگویی مدیریت و ارائه اطلاعات کافی به عموم مردم
- ۴- کاهش فساد و شکست‌های مالی نظام یافته در نتیجه افزایش شفافیت و ارائه اطلاعات
- ۵- کاهش آسیب‌پذیری در برابر بحران‌های مالی
- ۶- کاهش هزینه‌هایی مانند هزینه سرمایه، هزینه مبادلات و تقویت حقوق مالکیتی بانک‌ها
- ۷- ارتقاء نظام یکپارچه نظارتی برای ایجاد بازار مالی آرام، منظم و قاعده مند
- ۸- بهبود زیرساخت‌های سازمانی مانند نظام موثر پرداخت و تدوین و به کار گیری استانداردهای حسابداری.

۳- مدل‌های حاکمیت شرکتی

تا کنون مدل‌های گوناگونی برای حاکمیت شرکتی و روابط آن با سایر متغیرها، بر اساس مقتضیات جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ارائه گردیده که هر یک با جرح و تعدیلاتی مبدل به مدل پایه بخشی از محققان شده‌اند. ذیلًا به اهم مدل‌های پرکاربرد و بررسی نقاط قوت و ضعف هر یک پرداخته و با مقایسه تطبیقی مدل‌ها، مدل کاربردی‌تر و مناسب برای کشور ایران معرفی می‌شود:

۳-۱- مدل آنگلو-آمریکایی^{۱۶}

این مدل در دو کشور آمریکا و بریتانیا تأسیس شد و پس از آن به سایر کشورهای انگلیسی زبان چون کانادا و استرالیا توسعه پیدا کرد. ویژگی‌های این مدل، آن را از مدل اروپای قاره‌ای متمایز ساخته است که ذیلاً بدان پرداخته می‌شود [۲۰]

۳-۱-۱- تفکیک مالکیت از کنترل: ساختار مالکیت شرکتی در این مدل، با مالکیت سهام گسترده و غیر متمرکز شناخته شده و بر جدایی مالکیت از کنترل تأکید دارد. [۱۷] به عبارت ساده‌تر بر اساس این ویژگی، هر یک از سهامداران مالک بخش اندکی از مجموع سهام شرکت می‌شوند؛ بنابراین شرکت فاقد سهامداران کنترل کننده خواهد بود.

۳-۱-۲- تأمین سرمایه از طریق منابع خارجی: نظام‌های بازارمدار^{۱۷} و بانک‌مدار^{۱۸} دو نظام شناخته شده جهت تأمین سرمایه شرکت‌ها در دنیا محسوب می‌شوند. نظام بازارمدار وضعیتی را توصیف می‌کند که در آن سرمایه شرکت از طریق منابع خارجی و اکثراً عرضه سهام به عموم مردم تأمین می‌شود. به عبارت ساده‌تر بر اساس این ویژگی، نقش بانک‌ها در تأمین سرمایه شرکت‌ها اندک بوده و اتکای شرکت‌ها به سرمایه سرمایه‌گذاران خواهد بود. [۳۳] تأمین سرمایه از طریق منابع خارجی موجب شده است که به این مدل، عنوان برون سازمانی^{۱۹} نیز اطلاق شود. [۴]

۳-۱-۳- برخورداری از ضوابط استاندارد افشاء اطلاعات: سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری و سهامداری در هر شرکت، نیازمند اطلاعات قابل اتکا و موثق هستند. در چنین مدلی به لحاظ جدایی مالکیت از کنترل، افشاء به موقع اطلاعات جهت تعدیل اطلاعات نامتقارن^{۲۰} بین مدیران و مالکان بالقوه، بالفعل و سایر ذینفعان عامل حیاتی تلقی می‌شود. [۲] به همین دلیل در راستای تسهیل دسترسی سهامداران به اطلاعات شفاف شرکت، قوانین و مقرراتی وضع گردیده که از آن جمله می‌توان به قانون کمیسیون بورس اوراق بهادار^{۲۱} مصوب سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ میلادی در آمریکا، قانون ساربنز-اکسلی^{۲۲} مصوب سال ۲۰۰۲ در آمریکا، بخش ششم و هفتم شورای گزارشگری مالی در بریتانیا^{۲۳} را اشاره نمود.

¹ - Anglo – American Model

¹⁷ - Market - oriented

¹⁸ - Bank-oriented

¹⁹ - Outsider system

^{۲۰} - عدم تقارن اطلاعاتی، وضعیتی است که در آن‌گاهی مدیران اجرایی از اطلاعات و فعالیت‌های شرکت، بسیار بیشتر از مالکان بالقوه، بالفعل و سایر ذینفعان است.

²¹ - Security Exchange Commission

²² - Sarbanes- Oxley Act

²³ - The Uk Corporate Governance Code

۳-۱-۴- قدرت گرفتن سرمایه‌گذاران حرفه‌ای^{۲۴} و سرمایه‌گذاران نهادی^{۲۵}: اگرچه شرکت‌ها به طور مستقیم، تحت کنترل مدیران خود هستند، اما به طور غیر مستقیم به وسیله افراد خارج از حلقه کنترل می‌شوند. بدین ترتیب و تدریجاً این افراد قدرت کنترل شرکت را در دست می‌گیرند. [۳۰]

۳-۱-۵- حمایت بی‌دریغ از سرمایه‌گذاران: در راستای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و توسعه بازارهای سرمایه، حمایت‌های قانونی بی‌دریغی از سرمایه‌گذاران در این مدل صورت می‌پذیرد. [۱]

جدول شماره ۳ به بررسی نقاط قوت و ضعف مدل آنگلو-آمریکایی بر اساس ویژگی‌های شماره ۳-۱-۱ تا ۳-۱-۵ که در بالا توضیح داده شد، می‌پردازد^{۲۶}:

جدول شماره ۳: نقد مدل آنگلو-آمریکایی

ویژگی	نقاط قوت	نقاط ضعف
۳-۱-۱	- اداره شرکت توسط مدیران حرفه‌ای	- تضاد منافع سهامداران و مدیران (بروز مسأله نمایندگی)
۳-۱-۲	- امکان جذب سرمایه و نقدینگی بالا در صورت عملکرد مناسب	- خروج سرمایه‌گذاران فعلی یا عدم تمایل سرمایه‌گذاران بالقوه به سرمایه‌گذاری در شرکت، در صورت عملکرد مالی نامناسب
۳-۱-۳	- ممانعت از دسترسی عده‌ای خاص به اطلاعات شرکت - امکان نظارت عالی بر عملکرد مدیران - افزایش اقبال عمومی به سرمایه‌گذاری	- خروج سرمایه‌گذاران فعلی یا عدم تمایل سرمایه‌گذاران بالقوه به سرمایه‌گذاری در شرکت، در صورت عملکرد مالی نامناسب
۳-۱-۴	- ارزیابی عملکرد مدیران توسط سرمایه‌گذاران	- تمایل به کوتاه‌مدت‌گرایی - نگاه صرف به حداکثرسازی سود و ثروت سهامدار - پیچیده شدن مسئولیت پاسخگویی و مالکیت شرکت
۳-۱-۵	- جلب اعتماد و جذب سرمایه‌گذاران - توسعه بازارهای سرمایه - ایجاد بازارهای مالی کارا	- عدم توجه به منافع سایر گروه‌های ذینفع غیرسهامدار - عدم توجه به منافع پایدار بلندمدت سهامداران شرکت

۳-۲- مدل اروپای قاره‌ای^{۲۷}

مدل اروپای قاره‌ای که به مدل درون‌سازمانی^{۲۸} و مدل رابطه‌ای^{۲۹} نیز معروف است، از ویژگی‌هایی برخوردار است که آن را از مدل آنگلو-آمریکایی متمایز می‌سازد که ذیلاً بدان پرداخته می‌شود. [۴] کشورهای ژاپن و آلمان را می‌توان به عنوان پیشگامان اجرای این مدل معرفی نمود.

²⁴ - Professional Investors

²⁵ - Institutional Investors

^{۲۶} - مأخذ: یافته‌های پژوهش

²⁷ - Continental Europe Model

²⁸ - Insider system Model

²⁹ - Relationship – based Model

۳-۲-۱- اتحاد مالکیت و کنترل: اصلی‌ترین ویژگی این مدل، مالکیت متمرکز سهام و به تبع آن اتحاد مالکیت و کنترل است. [۲۰] به بیان دیگر، مطابق با این مدل، سهامداران همان مدیران شرکت هستند. [۳۶] در این مدل نقش بانک بسیار پررنگ می‌باشد. بانک‌ها دارایی‌های شرکت‌ها را در اختیار دارند و چنانچه شرکتی دچار بحران مالی گردد، سریعاً مداخله می‌نمایند. بر خلاف مدل آنگلو-آمریکایی، حضور سهامداران عمده و نظام اصطلاحاً مالک-مدیر موجب شده تا سهامداران یک شرکت، رابطه بلندمدت با آن شرکت داشته باشند. [۲۳]

۳-۲-۲- تأمین سرمایه از طریق منابع داخلی: بر خلاف مدل آنگلو-آمریکایی که در آن منابع مالی شرکت از طریق بازار تأمین می‌شد، در این مدل علاوه بر دولت، بانک‌ها نقش اساسی در تأمین سرمایه شرکت‌ها ایفا می‌کنند. بانک‌ها با در اختیار گرفتن بسته‌های سهام شرکت‌ها و بر مبنای آن، اقدام به اعطای اعتبار به شرکت‌ها می‌کنند. [۳۳] البته خاطر نشان می‌سازد که نقش بانک‌ها محدود به وام‌دهی به شرکت‌ها نیست؛ بلکه بانک‌ها به عنوان سهامدار عمده، دارای کرسی هیات مدیره بوده و در جلسات هیات مدیره شرکت کرده و جزو تصمیم‌گیران شرکت تابعه محسوب می‌شوند. [۲۰]

۳-۲-۳- هزینه نمایندگی کمتر: یکی از مشکلات مدل آنگلو-آمریکایی موضوع نمایندگی و هزینه‌های آن است که پیشتر در مورد آن صحبت شد. اما این مشکل در مدل اروپای قاره‌ای به علت پایین بودن پراکندگی مالکیت و استقرار نظام مالک-مدیر رایج نمی‌باشد. [۱۷]

۳-۲-۴- سطح پایین افشای اطلاعات: الزام به افشاجری و ارائه اطلاعات در این مدل، نسبت به مدل آنگلو-آمریکایی بسیار پایینتر است. [۳۳] همین موضوع موجب شده تا اطلاعات نهانی در شرکت‌های تابع این مدل وجود داشته باشد. لزوم دسترسی عامه حتی سهامداران اقلیت موجب شد تا در کشورهایی نظیر آلمان و فرانسه قوانین جدیدی در این خصوص وضع شود. به عنوان مثال می‌توان به بند ۱-۶ کد حاکمیت شرکتی کشور آلمان^{۳۰} اشاره نمود که در آن این گونه مقرر شده است: «هیات مدیره باید اطلاعات شرکت را بدون تاخیر و به طور مستقیم افشا نماید؛ مگر اینکه در مورد خاصی معاف از افشا باشد.» و یا در بند ۳ تصریح شده که شرکت باید با همه سهامداران در مورد اطلاعات، رفتار یکسانی داشته باشد.

جدول شماره ۴ به بررسی نقاط قوت و ضعف مدل اروپای قاره‌ای بر اساس ویژگی‌های شماره ۳-۲-۱ تا ۳-۲-۴ که در بالا توضیح داده شد، می‌پردازد^{۳۱}:

جدول شماره ۴: نقد مدل اروپای قاره‌ای

ویژگی	نقاط قوت	نقاط ضعف
۱-۲-۳	- عدم نیاز به وجود بازار سیال و سرمایه توسعه یافته - کاهش هزینه‌های نظارت بر مدیران - کاهش ریسک ناشی از انتقال سهام و ورود سهامداران جدید به دلیل وجود رابطه بلندمدت سهامداری	- افزایش احتمال سوء استفاده از قدرت و امکانات موجود - تضییع حقوق سهامداران اقلیت - مالکان فعلی، الزاماً مدیران حرفه‌ای نیستند.
۲-۲-۳	- غنی‌تر شدن رابطه کنترلی به دلیل اینکه وام‌دهنده(بانک)، خود سهامدار عمده است - کاهش تعارض فیمابین طلبکاران و سهامداران	- مختل شدن عملیات شرکت در صورت عدم رغبت بانک‌ها به سرمایه‌گذاری به هر دلیل
۳-۲-۳	- کاهش تعارض مدیر-سهامدار	- افزایش تعارض سهامداران اکثریت-سهامداران اقلیت
۴-۲-۳	- امکان کنترل بهتر عملیات شرکت و مدیریت بحران	- کاهش رغبت به سرمایه‌گذاری - عدم آگاهی از عملیات شرکت - افزایش سوء استفاده‌های مالی و معاملات مالی بعضاً غیرشفاف

۳-۳- مدل همگرایی بین‌المللی^{۳۲} حاکمیت شرکتی

با عنایت به افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و ادغام بازارهای سرمایه بین‌المللی، ایجاد روش‌ها و استانداردهای یکنواخت و قابل مقایسه در سطح بین‌الملل، ضرورت یافته است. شرکت‌ها دیگر بر منابع داخلی متکی نیستند؛ بلکه تلاش می‌کنند تا با جذب سرمایه‌گذاران خارجی، تامین مالی کنند. [۲۰] بر همین اساس تلاش‌های زیادی در سطح جهانی جهت تدوین استانداردهای مورد اجماع صورت پذیرفته است که از آن جمله می‌توان به اصول کالپر^{۳۳}، مدل حاکمیت شرکتی او-ای-سی-دی^{۳۴} و تابیدیه مدل یاد شده توسط شبکه بین‌المللی حاکمیت شرکتی آی-سی-جی-ان^{۳۵} اشاره کرد.

جدول شماره ۵ به بررسی نقاط قوت و ضعف مدل همگرایی بین‌المللی حاکمیت شرکتی بر اساس بارزترین ویژگی آن یعنی استانداردهای بین‌المللی مورد اجماع می‌پردازد^{۳۶}:

جدول شماره ۵: نقد مدل همگرایی بین‌المللی حاکمیت شرکتی

ویژگی	نقاط قوت	نقاط ضعف
استانداردهای بین‌المللی	- امکان حضور در عرصه‌های بین‌المللی و بازارهای جهانی - تأمین مالی راحت - وحدت رویه بین‌المللی	- سیستم مالی و حسابداری متفاوت کشورهای مختلف مانع از عملیاتی شدن مدل خواهد شد. - ساختار سازمانی، فرهنگ و عوامل اقتصادی متفاوت کشورهای مختلف مانع از عملیاتی شدن مدل خواهد شد. - عدم امکان تحمیل رویه‌های بیگانه به شرکت‌ها - تهدید شدن هویت بومی - عدم توجه به محیط شکل‌گیری شرکت‌ها

³² - International Convergence Model

³³ - The Calpers Principles

³⁴ - Organization for Economic Co-Operation And Development (OECD)

³⁵ - International Corporate Governance Network (ICGN)

³⁶ - مأخذ: یافته‌های پژوهش

۳-۴- مدل ترکیبی

مدل ترکیبی حاکمیت شرکتی مبتنی بر فرضیه ارجاع متقابل^{۳۷} است و پیش فرض خود را بر تجزیه پذیر بودن نظام‌های حاکمیت شرکتی قرار می‌دهد. [۲۸] مطابق با این مدل می‌توان هر یک از اجزای هر مدل حاکمیت شرکتی را به دلخواه تجزیه و بدون آنکه آثار و تبعاتی در پی داشته باشد، در مدل ایده‌آل خود قرار داد. در عصر کنونی، گرایش اکثر کشورهای توسعه یافته در تقویت و استفاده از مدل ترکیبی حاکمیت شرکتی می‌باشد که از آن جمله می‌توان به مدل ترکیبی حاکمیت شرکتی دولت بلژیک^{۳۸} اشاره نمود. [۱۷]

جدول شماره ۶ به بررسی ویژگی‌های دو شکل مشهور از مدل ترکیبی حاکمیت شرکتی می‌پردازد^{۳۹}:

جدول شماره ۶: انواع مدل ترکیبی حاکمیت شرکتی

نوع مدل ترکیبی	ویژگی	نقاط قوت	نقاط ضعف
الگوی ترکیبی ایستا ^{۴۰}	- در این الگو عناصر الگوهای یک کشور با عناصر یک الگو در طرف مقابل توسط دولت آن کشور ترکیب می‌شود. - این الگو برای کشورهایی مناسب است که نظام حاکمیت شرکتی مستحکم و یکپارچه‌ای داشته‌اند.	- پرهیز از نقاط ضعف مدل‌های قبل و استفاده از نقاط قوت آن‌ها - امکان طراحی یک مدل ایده‌آل	- عدم توجه به پارامترهای فرهنگی، تاریخی، سیاسی، مذهبی کشورها - دشوار بودن پیاده‌سازی مدل - عدم توجه به آثار و تبعات حذف یا استفاده از اجزای هر مدل
الگوی ترکیبی پویا ^{۴۱}	- در این الگو عناصر الگوهای برتری سهامدار و گروه‌های ذینفع با مشخصه‌های کشور پذیرنده مانند فرهنگ، تاریخ، تمدن، مذهب و ... توسط دولت آن کشور ترکیب می‌شود. - این الگو برای کشورهایی مناسب است که هنوز در مرحله گذار به سمت اقتصاد باثبات و حاکمیت شرکتی مطمئن هستند.	- پرهیز از نقاط ضعف مدل‌های قبل و استفاده از نقاط قوت آن‌ها - امکان طراحی یک مدل ایده‌آل	- دشوار بودن پیاده‌سازی مدل - عدم توجه به آثار و تبعات حذف یا استفاده از اجزای هر مدل

۴- حاکمیت شرکتی در ایران

مدل فعلی حاکمیت شرکتی در ایران، مدل اروپای قاره‌ای است. اتحاد مالکیت و کنترل، سطح پایین افزایش اطلاعات، هزینه نمایندگی کمتر و تأمین سرمایه از طریق منابع داخلی که همگی از ویژگی‌های مدل اروپای قاره‌ای محسوب می‌شدند، در خصوص شرکت‌های ایرانی نیز صادق است. موارد زیر را می‌توان به عنوان اهم دلایل انتخاب این مدل برای ساختار حاکمیت شرکتی در ایران برشمرد:

- ۱- قانون تجارت ایران از قانون تجارت فرانسه اقتباس شده است. با عنایت به اینکه کشور فرانسه خود از سردمداران نظام حاکمیت شرکتی از نوع اروپای قاره‌ای می‌باشد، کشور ایران نیز به صورت خودکار این نظام را برگزیده است.

³⁷ - Reference Hypothesis

³⁸ - Polder model

^{۳۹} - مأخذ: یافته‌های پژوهش

⁴⁰ - Referencing Combinative Hybrid Models

⁴¹ - Developing Combinative Hybrid Models.

۲- عوامل سیاسی: انتخاب این مدل متضمن کنترل دولت بر بخش خصوصی و تبدیل شدن دولت به قدرت بلامنازع می‌باشد.

۳- رهایی یافتن دولت از وابستگی به بخش خصوصی

۴- درآمدزایی و تأمین استقلال مالی دولت

۵- عدم شهرت سایر مدل‌ها و به تبع آن عدم آگاهی قانونگذار نسبت به سایر مدل‌ها در دوران پس از انقلاب اسلامی

۶- این مدل به مفهوم شرکت از حیث ارتباط مالکیت با مدیریت برای ایرانیان مأنوس‌تر بود. [۳۷]

همان‌گونه که در جدول شماره ۴ مندرج است؛ به مدل اروپای قاره‌ای، علی‌رغم منافع حاصل از اجرا، ایرادات جدی وارد است. به خصوص در مورد شرکت‌های ایرانی موارد زیر را می‌توان به عنوان اهم ایرادات حاکمیت شرکتی فعلی ایران برشمرد:

۱- تداخل وظایف هیأت مدیره و مدیرعامل

۲- عدم توجه به سهامداران اقلیت

۳- به روز نبودن و پاسخگو نبودن قوانین نسبت به اقتضائات تجاری و کسب و کار در حال تحول^{۴۲}

۴- عدم موجودیت کمیته انتخابات، حقوق و پاداش اعضای هیأت مدیره

۵- عدم شفافیت در انتخاب مدیران و نبود معیارها و ضوابط شایسته‌سالاری

۶- ناکافی بودن مقررات در باب افشای اطلاعات که اجازه دستکاری اطلاعات به خصوص در دو ماه پایانی سال مالی را به شرکت‌ها می‌دهد.^{۴۳}

۷- عدم پیشبینی کمیته حسابرسی در کنار بازرسی^{۴۴}

با توجه به موارد ذکر شده در ادامه الزامات، پیش‌نیازها و برخی اقدامات اصلاحی برای برقراری حاکمیت شرکتی در ایران مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۵- الزامات و پیش‌نیازها

اهمیت نظام حاکمیت شرکتی در ایجاد حس اعتماد سرمایه‌گذاران، افزایش کارایی و شفافیت بازارهای مالی و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی کشورها بر همگان آشکار است؛ اما نکته اصلی الزامات و پیش‌نیازهای مورد نیاز برای برقراری نظام حاکمیت شرکتی مؤثر است. برقراری نظام مطلوب حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی کشور نیازمند اقدامات و پیش‌نیازهایی است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

۱- معرفی بهترین شرکت در هر صنعت از لحاظ نظام صحیح حاکمیت شرکتی جهت تشویق شرکت‌ها به استقرار این نظام؛

۲- تدوین آیین‌نامه راهبردی برای شرکت‌ها از سوی مقامات ناظر مانند بانک مرکزی، سازمان بورس و بیمه مرکزی و الزام آن‌ها به اصلاح ساختار سازمانی و تأسیس کمیته‌هایی مانند کمیته حسابرسی؛

^{۴۲} - اخیراً و طی نشست الزامات حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، جناب آقای ارجمندنژاد، مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی اعلام کرد مقررات در زمینه حاکمیت شرکتی در بانک مرکزی تدوین و نظرات کانون بانک‌های خصوصی و شورای هماهنگی بانک‌های دولتی بانک‌ها در آن لحاظ شده و به زودی به بانک‌ها ابلاغ می‌شود. که این خود نمونه‌ای از تلاش‌های سازمان‌های نظارتی برای رفع این نقیصه است.

^{۴۳} - اخیراً و در زمان نگارش این مقاله، دستورالعملی از سوی سازمان بورس به شرکت‌های عضو، مبنی بر الزام افشای ماهانه اطلاعات مالی صادر شد که این خود نمونه دیگری از تلاش‌های سازمان‌های نظارتی برای رفع این نقیصه است.

^{۴۴} - مأخذ: یافته‌های پژوهش

- ۳- وزن دهی به هر یک از عوامل موثر بر استقرار بهینه مدل ترکیبی پویا با توجه به درجه اهمیت هر یک؛
- ۴- توجه توأم بانکها و شرکتها به سهامداران اقلیت و اکثریت خود؛
- ۵- الزام بانکها به ارائه اطلاعات میان دوره‌ای مالی خود به صورت ماهانه و معرفی بانک‌هایی که اطلاعات مالی ماهانه آنها دستخوش تغییرات فاحش ناگهانی شده است، به مقام قضایی جهت بررسی دستکاری یا عدم دستکاری داده‌های مالی و حسابداری؛
- ۶- تدوین معیارهای انتخاب و انتصاب افراد در پست‌های حساس بانکی مانند مدیریت عامل
- ۷- الزام مدیران عامل یا اخذ تعهدنامه از ایشان مبنی بر به‌کارگیری تمام قوا و امکانات برای حفظ منافع تمام ذینفعان و کاهش هزینه‌های آنان
- ۸- هدف نهایی تأسیس شرکتها و بانکها باید موفقیت دراز مدت باشد. کلیه تصمیم‌گیری‌ها باید موافق با اصول بنیادین حاکمیت شرکتی مطرح در او- ای- سی- دی شامل انصاف، پاسخگو بودن، شفافیت اطلاعاتی و مسئولیت‌پذیری باشد.

یکی از اصول بنیادین برای برقراری حاکمیت شرکتی مطلوب، اصل کامل بودن قوانین و مقررات است. بدان معنا که ارزش سیستم قانونی و حاکمیت شرکتی، نه تنها به قانون شرکتها، بلکه به ترکیب خاصی از قوانین و مقررات، ارتباط مناسب آنها و سازگاری قانون شرکتها با مجموعه قوانین تجاری بستگی دارد. اصل کامل بودن به وابستگی متقابل اجزای مختلف سیستم اشاره دارد و بر مبنای این عقیده استوار است که «کلیت یک موضوع چیزی بیش از جمع اجزای آن است» برای کسب بیشترین منافع از اصل کامل بودن، ضروری است که اجزا با یکدیگر سازگار باشند و در این صورت سیستم مستحکم و سازگار خواهد بود. در اصل کامل بودن دو بعد وجود دارد:

الف) مقررات درونی قانون شرکتها باید با یکدیگر مکمل و سازگار باشد. به بیان دیگر، مقررات خاص، تنها زمانی می‌توانند جایگزین دیگری شوند که با اجزای دیگر قانون شرکتها سازگار باشند.

ب) کل قانون شرکتها با مقررات قانونی دیگر مکمل و سازگار باشد. به بیان دیگر، قانون شرکت‌های هر کشور باید با محیط قانونی آن سازگار باشد.

بر این اساس، در راستای اجرای حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکی ایران، بانک مرکزی در سال‌های اخیر -به ویژه از سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳- مبادرت به انجام اقدامات اصلاحی نموده است که اهم آن به شرح زیر است:

- ابلاغ اساسنامه نمونه بانکها
- ابلاغ آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط،
- ابلاغ ضوابط مربوط به انتخاب حسابرس بانک،
- ابلاغ ضوابط مربوط به افشا و شفافیت،
- ابلاغ ضوابط مربوط به احراز صلاحیت‌های مدیران بانکها،
- ابلاغ رهنمودهای مرتبط با نظام کنترل داخلی بانکها،
- ابلاغ گزارش راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکداری ایران،
- ابلاغ اصول بهبود حاکمیت شرکتی سال ۲۰۱۰ کمیته نظارت بانکی بال به منظور فراهم نمودن بسترهای لازم برای اجرای حاکمیت شرکتی اثربخش مطابق با سند بال ۲
- تدوین لایحه قانونی اصلاح ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴
- تدوین آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسات اعتباری غیردولتی موضوع تبصره ۲ ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴

در سال‌های اخیر اقدام‌های قابل توجهی در تدوین مقررات بانکی برای بهبود حاکمیت شرکتی برداشته شده و نظارت بانکی هم در این زمینه فعالیت نظارتی خود را آغاز کرده است.

۶- نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها

با بررسی پژوهش‌های انجام شده در خصوص برقراری حاکمیت شرکتی در کشورهای دیگر و نیز در مطالعات نظری و تجربی، نتایج زیر به دست می‌آید:

- یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد استقرار مناسب سازوکارهای حاکمیت شرکتی موجب جذب و تخصیص بهینه منابع، افزایش کارایی عملیاتی، استیفای حقوق ذی‌نفعان مختلف و رشد سرمایه‌گذاری پایدار از طریق جلب اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود. همچنین، برخی مطالعات تجربی حکایت از رابطه مثبت نظام حاکمیت شرکتی و بازده شرکت‌ها دارد.
- حاکمیت شرکتی بر توسعه و عملکرد بازارهای سرمایه و تخصیص منابع تأثیر مثبت دارد. در دوره جهانی شدن اقتصاد و تحرک سرمایه، حاکمیت شرکتی چارچوب مهم و مؤثری برای رقابت صنعتی و اقتصاد کشورهای عضو ارائه نموده است. از سوی دیگر، مطالعات انجام شده و شواهد تجربی ارتباط میان حاکمیت شرکتی، عملکرد شرکت‌ها و رشد اقتصادی را نشان می‌دهند.
- بررسی وضعیت کشورهای دیگر در اجرای اصول حاکمیت شرکتی گویای آن بود که این کشورها در ابتدا استانداردهای کلی را تدوین و آن را برای اجرا به شبکه بانکی خود ابلاغ و بر آن نظارت می‌کنند. مقامات نظارتی و قانون‌گذاران کشورهای مختلف تلاش کرده‌اند محیطی توانمند متناسب با اصول حاکمیت شرکتی خوب در بانک‌ها و مؤسسات مالی ایجاد کنند؛ در این ارتباط می‌توان به تدوین دستورالعمل‌هایی در مورد کنترل‌های داخلی و حسابرسی داخلی بانک‌ها، ترکیب اعضای هیأت مدیره، استقلال مدیرعامل از رییس هیأت مدیره، تبیین وظایف و مسئولیت‌های هیأت مدیره، افشا و شفافیت اطلاعات، حمایت از حقوق سهامداران، ارتقای امنیت فناوری اطلاعات و تدوین اصولی برای مدیریت ریسک‌های نقدینگی، نرخ بهره، تمرکز و ظرفیت ریسک‌پذیری اشاره کرد.

از آنجا که اصول حاکمیت شرکتی در ایران موضوع نسبتاً جدیدی است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، از انسجام لازم برخوردار نبوده و به صورت غیرمتمرکز دستورالعمل و آیین‌نامه‌هایی - که بخش‌هایی از این اصول را در بر می‌گیرد - تدوین و ابلاغ شده است. بنابراین، خلأهای قانونی و آیین‌نامه‌ای در این زمینه کاملاً مشهود است.

توصیه‌های سیاستی می‌توانند در جهت ایجاد تعامل بین حاکمیت شرکتی و چارچوب نهادی در کشورها تلاش نمایند. بر اساس وضعیت موجود و برای بهبود وضعیت حاکمیت شرکتی و بهره‌گیری از منافع آن، توصیه‌های سیاستی زیر پیشنهاد می‌شود:

- سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران بر عنصر "عدالت" تأکید دارد. توجه به عدالت‌محوری در قوانین و مقررات و سیاست‌ها، در بین نگرش‌های متنوع به نظام حاکمیت شرکتی، بر نظریه ذی‌نفعان بیشتر منطبق است. به این ترتیب پیشنهاد این مقاله جهت‌گیری مقررات مرتبط با نظام حاکمیت شرکتی به سمت رعایت حقوق تمام ذی‌نفعان است.
- اصلاح و به روز نمودن قوانین و مقررات کشور به ویژه مقررات قانون تجارت، قانون پولی و بانکی و نیز قانون عملیاتی پولی و بانکی کشور.
- تدوین قوانین مرتبط با نظام حاکمیت شرکتی در لایحه اصلاحی قانون تجارت و اعمال آن در زیرمجموعه‌هایی مانند سازمان بورس و اوراق بهادار، نظام بانکی و نهادهای مشابه دیگر. از جمله آن‌ها، پیش‌بینی ایجاد ساختار دو

لایه‌ای و تفکیک وظایف و مسئولیت‌های هیأت مدیره و هیأت عامل (هیأت نظارتی و هیأت اجرایی) قابل تأکید است.

- تدوین دستورالعمل حاکمیت شرکتی مطابق با استانداردهای جهانی و قوانین و مقررات موضوعه کشور و الزام بانک‌ها به اجرای نظام حاکمیت شرکتی اثربخش.
- با توجه به خلأهای قانونی موجود در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، تدوین یک مجموعه مقررات منسجم در زمینه حاکمیت شرکتی ضروری است. با این هدف مبانی کلیدی یک نظام حاکمیت شرکتی مناسب برای محیط اقتصادی ایران که مخاطب اصلی آن هیأت مدیره شرکت است به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:
 - مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی
 - خلق ارزش و استفاده مؤثر از منابع شرکت،
 - گزارش‌دهی به موقع و شفاف،
 - رعایت انصاف و عدالت در رابطه با تمامی ذی‌نفعان،
 - ایفای نقش اجتماعی و شهروندی شرکت شامل ایفای تعهدات و الزامات اخلاقی، اسلامی و شئون اجتماعی در عین رعایت منافع سهامداران شرکت به عنوان اصلی‌ترین طبقه از ذی‌نفعان.
- افزایش همکاری و تبادل مؤثر اطلاعات با مقام‌های نظارتی کشورهای دیگر و استفاده از تجارب آن‌ها در اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها.
- ایجاد مؤسسات رتبه‌بندی و الزام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس به ارائه رتبه حاکمیت شرکتی خود و شرکت‌های زیرمجموعه.
- استفاده از ظرفیت تشکل‌های سهامداران خرد و پررنگ‌تر کردن نقش این گروه از سهامداران.

مراجع

- 1- Jun Lin, Z., & Liu, M. the impact of corporate governance on auditor choice: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 18(1), 44-59. (2009)
- ۲- حساس یگانه، یحیی. حاکمیت شرکتی در ایران، *فصلنامه حسابرِس*، شماره ۳۲، صفحه ۲۵-۱۳. (۱۳۸۵)
- ۳- قاضی‌نوری، احمد. بهتر یا بهترین؟ نقش بالقوه دولت‌ها در ترویج مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها، *دنیای اقتصاد*، شماره ۲۸، صفحه ۲۰-۳۸. (۱۳۹۱)
- 4- Sheikh, N. A., & Wang, Z. Effects of corporate governance on capital structure: empirical evidence from Pakistan. *Corporate Governance*, 12(5), 629 – 641.(2012)
- ۵- داغانی، رضا. علیمردانی، مریم. محمدرضایی، زهرا. رویکرد داوطلبانه راهبردی شرکتی در بورس و اوراق بهادار تهران (بررسی موردی ترکیه و استرالیا). *نخستین همایش ملی حاکمیت شرکتی*، دانشگاه الزهرا. (۱۳۹۲)
- ۶- حیدری، احمد. حجاریان، مسعود. راهکارهای پیاده‌سازی اصول حاکمیت شرکتی در ایران، *حسابدار*، شماره ۱۶۲، صفحه ۵۶-۵۹. (۱۳۸۳)
- ۷- آقایی، محمدعلی. چالاک، پری. بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری*، سال اول، شماره ۴، صفحه ۷۷-۵۴. (۱۳۸۸)
- ۸- رهبری خرازی، مهسا. اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه. تهران: نشر شرکت اطلاع‌رسانی بورس. (۱۳۸۵)
- 9- La Porta, R., & Lopez-de-Silanes, F. Law and Finance, *Journal of Political Economy*, 106(6), 1113-1121. (1988)
- ۱۰- مشایخ، شهناز. اسماعیلی، مریم. کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبردی در شرکت‌های بورس. *بررسی‌های حسابداری و حسابرِس*، شماره ۴۵، صفحه ۴۴-۲۵. (۱۳۸۵)
- 11- Stephen, F. H., & Backhaus, J. G. Corporate governance and mass privatization: A theoretical investigation of transformations in legal and economic relationships. *Journal of Economic Studies*, 30(3/4), 389 – 468. (2003)
- 12- Fama, E., & M. Jensen, Separation of ownership and control. *Journal of Laws and Economics*, 26, 301-325. (1983)
- ۱۳- حساس یگانه، یحیی. پوریان‌سب، امیر. نقش سرمایه‌گذاران نهادی در حاکمیت شرکت‌های سهامی، *مجله حسابداری*، شماره ۱۶۵، صفحه ۲۸-۱۹. (۱۳۸۴)
- 14- Shleifer, A., & Vishny, R. A Survey of Corporate Governance. *Journal of Finance*, 52(2), 737-783. (1997)
- 15- Keasey, K., & Wright, M. Issues in Corporate Accountability and Governance. *Accounting Business Research*, 91, 291-303. (2005)
- 16- Jun Lin, Z., & Liu, M. the impact of corporate governance on auditor choice: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 18(1), 49 (2009)
- 17- Yeh, Y. H., Shu, P. G., & Su, Y. H. Related-party transactions and corporate governance: the evidence from the Taiwan stock market. *Pac. Basin Finance J.* 20(5), 755-776. (2014)
- 18- Shan, Y. G., & McIver, R. P. Corporate governance mechanisms and financial performance in China: panel data evidence on listed nonfinancial companies. *Asia Pacific Business Review*, 17(3), 301-324. (2013)
- 19- Sarkar, J., & Sarkar, S. Large shareholder activism in corporate governance in developing countries: evidence from India. *International Review Finance*, 1(3), 161-194. (2009)
- 20- Park, Y. W., & Shin, H. H. Board composition and earnings management in Canada. *Journal of Corporation Finance*, 10(3), 431-457. (2015)
- 21- Kevin Keasey, Steve Thompson, Mike Wright Oxford University Press . *Corporate Governance: Economic and Financial Issues*, 140-142 (1997)
- 22- Fang, V. W., Noe, T. H., & Tice, S. Stock market liquidity and firm value. *Journal of Finance Economic*, 94 (1), 150-169. (2009)
- 23- Drobetz, W., Schillhofer, A., & Zimmermann, H. Corporate governance and expected stock returns: evidence from Germany. *European Finance Management*, 10(2), 267-293. (2010)
- 24- Dahya, J., Dimitrov, O., & McConnell, J. J. Dominant shareholders, corporate boards, and corporate value: a cross-country analysis. *Journal of Finance Economic*, 87(1), 73-100. (2008)
- 25- Bratton W. W., & McCahey J. A., Comparative Corporate Governance and The Theory of the firm: The Case Against Global Cross Reference. *Columbia Journal of Transnational law*, 38(2), 58-94. (1999)

- 26- Dignam A., & Cocks, L. The end of History for Anglo-Saxon Outsider Corporate Governance : Are we all French Now? *School of Legal Studies Research*. 25(2), 13-75 (2010)
- 27- Htay, S. N. N. Better Boards Towards Higher Profitability, *World Review of Business Research*, 2(2).149-163. (2012)
- 28- Jingchen, Z. Modernising corporate objective debate towards a hybrid model. *Northern Ireland Legal Quarterly*, 62(3), 361-390. (2011)
- 29-La Porta R., Lopez-de-Silanes, F., & Shleifer, A Investor Protection and Corporate Governance. *Journal of Financial Economics*. 58(1-2), 3-27. (2000)
- 30- Lo, W. A-C., & Michael C. M. Banking reform and corporate Governance. *The Chinese Economy*, 42(5), 21-39. (2009)
- 31- Andres, P. D., & Eleuterio, V. Corporate governance in banking: The role of the board of directors. *Journal of Banking & Finance*, 32, 2570-2580. (2008)
- 32- Hu, Y. & Izumida, S. Ownership concentration and corporate performance: A causal analysis with Japanese panel data, *Corporate Governance: An International Review*. *Journal of Laws and Economics* ,16: 342- 358 (2015)
- 33- Berger, A. N., G. R. G. Clarke, R. Cull, L. Klapper, & Udell, G. F Corporate Governance and Bank Performance: A Joint Analysis of Statics, Selection, and Dynamic Effects of Domestic, Foreign and State Ownership. *Journal of Baking and Finance*, 29, 2179-2221. (2005)
- 34- Lee, S. C., Kim, J., & Park, A. Y. Agency problems and firm value: Evidence from Korea. *Korean Journal of Management Accounting Research*, 5(1), 33-55. (2005)
- 35- Crespi, R., et al Governance mechanisms in Spanish banks. Does ownership matter?. *Journal of Banking & Finance*, 28, 89-101 (2004)
- ۳۶- یحیی پور، جمشید. نظام حاکمیت (راهبردی) شرکتی در شرکتهای سهامی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان و آمریکا. رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه مازندران. (۱۳۹۲)
- ۳۷- رحمانی، عطا... . مطالعه تطبیقی مبانی قاعده اکثریت در شرکتهای سهامی، حقوق انگلستان و ایران. تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۰، ۴۹۶-۴۵۳. (۱۳۸۸)